

برنامه های توسعه ی هزاره سوم و پیشگیری علمی و فقهی از جرم، الزاماتی تفکیک ناپذیر

مختار بیداروند^۱

فاطمه احدی^۲

چکیده

در این پژوهش، محققین برای تحصیل و تحلیل داده ها از روش کتابخانه ای بهره جسته اند و با مطالعه ی متون مقالات و کتب علمی و دینی سعی در مستند سازی یافته های علمی خود نموده اند. همچنین با توجه به ماهیت پژوهشی تحقیق، این کار از ماهیت توصیفی تحلیلی برخوردار است. طبق عبارت آغازین منشور؛ سازمان ملل متحد ایجاد شد تا ایمان به حقوق بنیادین بشر را مورد اعلام مجدد قرار دهد و به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر کمک کند. بر پایه همین اندیشه امنیت انسانی است که می توان گفت مسائلی همانند: فقر و گرسنگی، بی سوادی، عدم برابری جنسیتی و ضعف زنان، مرگ و میر کودکان و بهداشت جهانی بخصوص مادران، شیوع و ترویج بیماریهای واگیر دار از جمله ایدز و مالاریا و..، نابودی محیط زیست و عدم مشارکت جهانی در زمینه ی توسعه را تهدیدی علیه امنیت بشر دانست، این عناوین در قالب برنامه های توسعه ی هزاره مصداق پیدا کردند. یافته های این تحقیق حاکی از آن است که مصادیق برنامه های توسعه ی هزاره لازمه ی تحقق آموزه های پیشگیری از جرم در ابعاد اسلامی (فقهی) و جرم شناسی و همچنین تحقق آرمان پیشگیری از جرم در دو سطح وضعی و اجتماعی آمیخته با تاکیدات منابع دینی برای پیشگیری و توسعه، فارغ از برنامه های توسعه ی هزاره نمی باشد. به نظر نگارندگان می توان گفت برنامه های توسعه ی هزاره مبنا و رکن اساسی و حیاتی و اجتناب ناپذیر برای تحقق برنامه های پیشگیری است و بدون پیشگیری از جرم، مفهومی به نام توسعه برای جوامع امروزی، مفهومی بی هویت خواهد بود.

واژگان کلیدی: پیشگیری، توسعه هزاره، پیشگیری وضعی، آموزه های قرآنی، توسعه ی پایدار .

۱- کارشناس ارشد فقه و حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، گروه حقوق، مراغه، ایران، مراغه.

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، گروه حقوق، مراغه، ایران، مراغه.

مقدمه

موضوع کنترل بزهکاری یکی از دغدغه های مهم بشر در طول تاریخ دنیای اسلام و جهان بوده است روشهای مختلف در جهت رسیدن به این امر مورد استفاده قرار گرفته که در یک تقسیم بندی می توان به پیشگیری اجتماعی، پیشگیری کیفری، پیشگیری وضعی در منابع علمی و اسلامی اشاره کرد. روش اخیر مبتنی بر این ایده است که باید با تاثیر گذاردن بر محیط فیزیکی و تقویت آرمانهای انسانی و روحی بزه دیده با هدف دشوار یا سلب نمودن امکان وقوع جرم و کاستن از جاذبه آماج های آن، آمار جرایم را کاهش داد. راهبردهای این روش متنوع بوده و از محافظت از آماج ها و کنترل ابزار بزهکاری تا نظارت و کنترل بزهکار و مراقبت از بزه دیدگان و آموزش آنان را مد نظر قرار می دهد. همچنین ذکر نکته ی اصلی که در این پژوهش نیز حائز اهمیت است الزامی است، و آن اینکه هر جرمی خود گناه و معصیت شناخته شده هر چند هر گناهی جرم شناخته شده باشد (مثل غیبت و ظن بد) پس واژه ی جرم در این پژوهش مشمول عصیان و گناه نیز می شود.

در این مقاله یکی از موضوعات مورد بحث در پیشگیری وضعی، یعنی نظارت بر توسعه جوامع در جهت از بین بردن موقعیتهای و فرصت های جرم زا بررسی می شود. چرا که تمرکز امکانات رفاهی در جوامع توسعه یافته و هجوم جمعیت به این جوامع نیز یکی از عوامل مهم گسترش جرم خواهد بود (جوان جعفری، سید زاده ثانی، (ترجمه)، سال (۱۳۹۱)، ص ۴) و همچنین در این مقاله با بیان اهداف و آرمان توسعه هزاره و بیان چالشهای پیش روی آن به تعامل ارتباط و تاثیر گذاری اهداف توسعه و پیشگیری علمی و اسلامی از جرم بر همدیگر، ملزم بودن ارتباط نزدیک این دو عامل را بیان خواهیم داشت. از مدتها پیش، به تاثیر جهانی شدن و افزایش رویه شهر نشینی بر میزان جرم و بزه دیدگی، به خصوص در مناطق شلوغ شهری توجه مضاعفی می شود. بحران های اقتصادی به نگرانی ها در خصوص تاثیر جهانی شدن و شهرنشینی بر امنیت و ثبات دامن زده است. از همین رو، اهمیت گسترش پاسخ های برنامه ریزی شده به تغییرات گسترده بیش از پیش مشخص شده است. شورای اقتصادی و سیاسی سازمان ملل در قطعنامه شماره ۲۰۰۸/۲۴ خود، با توجه بیشتر به پیشگیری از جرایم شهری تاکید داشته و اهمیت رویکرد متمرکز به پیشگیری را متذکر شده است. به موجب این قطعنامه، ملاحظات پیشگیرانه باید در تمامی سیاست ها و برنامه های اجتماعی و اقتصادی لحاظ شود فلذا در این راستا برنامه ای تحت عنوان اعلامیه توسعه هزاره معین گردید.

محتوی پژوهش، برنامه‌هایی جامع و فراگیر است که توسط سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ مورد توافق قرار گرفته که این اهداف بایستی تا سال ۲۰۱۵ در جهان امروزه تأمین گردد. این برنامه‌ها اهدافی را به دنبال دارند که هشت آرمان می‌باشد تا به چالش‌های اصلی توسعه جهان پاسخ داده شود اهداف توسعه هزاره از اقدامات و اهدافی که در بیانیه هزاره آمده تصویری خاص را ترسیم می‌نماید، بیانیه هزاره در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۰ توسط ۱۸۹ کشور پذیرفته شده و ۱۴۷ نفر از سران سیاسی آن را امضاء کرده‌اند (رک ترجمه: موسوی بفرویی، سال (۱۳۷۹)، ص (۸۳)) این اهداف که خواستار بهبود آسایش و آرامش و پیشرفت واتحاد و توسعه‌ی جامعه انسانی است به طور کلی مبحث دهکده جهانی را که تا به حال به محله و خانواده جهانی سوق داده می‌شد به سوی پیکر جهانی یا یک پیکری بودن تمایل می‌دهد.

اهداف این برنامه می‌تواند ضمن این، که در راستای تأمین اهداف مفاهیم حقوق بشر در اسلام و جهان امروز از قبیل حق حیات، عدم تبعیض، آزادی‌ها، آموزش، که در اسناد بین‌المللی با عنوان منشور بین‌الملل حقوق بشر شناخته می‌شود. که در ضمن تأمین این اهداف مسلماً پیشگیری از جرم را نیز در پی خواهد داشت، چراکه در بیشتر موارد ارتکاب جرم ناشی از نیازهای اقتصادی، فرهنگی، آموزشی انسان می‌باشد که در صورت تحقق اهداف این برنامه، زمینه در پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرم نیز فراهم خواهد شد. همچنین چون اهداف این برنامه‌ها اقتصادی، فرهنگی، علمی، بهداشتی و ... می‌باشد از همه ی ابعاد مقارن بامنابع فقهی و اسلامی و علمی بوده و در همه این اهداف یک نقطه مرتبط و متصل دیده می‌شود، و آن بهبود وضعیت آمار جرم و جنایت و خشنونت و عصیان (که مورد ترد اسلام هست) و به جا گذاشتن رشد و تعالی انسانها و پیشرفت و توسعه پایدار جهانی است، بدیهی است جامعه‌ای بدون آمار جرم و گناه (مدینه فاضله) به صورت مطلق قابل تصور نخواهد بود چرا که در اعتقادات و باورهای دینی مانیز می‌توان به زیان کار بودن انسان در آیه (ان الانسان لفی خسر) اشاره داشت ولی داشتن جامعه‌ای متعادل و نرمال مورد مطالبه‌ی آرمان این برنامه‌ها است، فلذا در این پژوهش به رابطه اهداف توسعه هزاره با پیشگیری از جرم را که در منابع اسلامی از تاریخ اسلام تا به حال تأکیدات فراوانی شده به وضوح به طور علمی نمایان نموده و جهات کاربردی نمودن این اهداف را در جوامع مورد بررسی قرار می‌دهیم لیکن الزاما از تطبیق پیشگیری از جرم آموزه های دینی و علمی با اهداف توسعه هزاره، نتیجه را به طور مستند و مستدل عرضه می‌کنیم و سعی بر آن داشته تا این تحقیق در جوامع حاضر مفید واقع گردد چرا که هر معلولی بدون دلیل اش محکوم به معدوم است و هیچ علت و عملی بی‌اثر نخواهد بود. بنابراین محتوی تحقیق نیز علت تمامی کمبودها و بی نظمی‌های معاصر دنیا را در خود

جستجو نموده و سعی در حل مشکلات به وسع و در حیطه خود می باشد، فلذا نهایتاً اینکه سوالی که محققین در این پژوهش به آن پرداخته اند؛ یافتن پاسخی برای تداخل آرمان پیشگیری از جرم و اهداف توسعه هزاره بوده و نیز اساس و محوریت تشکیل این دو مبحث را جویا می باشد.

۱- مفهوم پیشگیری

برای پرداختن به بیان مفهوم پیشگیری از جرم و معصیت می بایستی تعریفی را ارائه داشت. تلاشهای زیادی توسط جرم شناسان و علمای دینی برای تعریف و طبقه بندی پیشگیری از جرم انجام گرفته است، ولی در عین حال هنوز توافق روشن و صریحی در این زمینه به دست نیامده است، اما با توجه به این که مفهوم جدید پیشگیری از جرم و مکانیزم های آن به دنبال عدم تاثیر سیستم عدالت کیفری بر کاهش نرخ جرم پدید آمده است، تفکیک و تمایز بین پیشگیری کیفری (مجازاتها و تعزیرات معینه در منابع فقهی و قوانین) و غیر کیفری (آموزشی، اعتقادی و فرهنگی)، اجتناب ناپذیر است و آنچه امروزه رویکردی جدید به چگونگی کنترل بزهکاری محسوب می شود عبارت است از کلیه اقداماتی فردی و عمومی به جز اعمال حقوق کیفری با هدف از بین بردن زمینه های مساعد برای ارتکاب اعمالی که جرم محسوب می شود (خسرو شاهی، سال دهم، ص ۵۷).

در یک تعریف جامع: پیشگیری از جرم مجموعه اقدامات و راهبردهایی است که به منظور کاستن از خطر ارتکاب جرم و تاثیرات بالقوه زیانبار جرایم بر افراد و جامعه از جمله ترس از جرم انجام می گیرد و از طریق مداخله و یا تاثیر بر عوامل ایجاد کننده ی جرایم به انجام می رسد (جوان جعفری، سید زاده ثانی، منبع پیشین، ص ۳۷).

- مفهوم لغوی و حقوقی پیشگیری

واژه ی پیشگیری را از نظر لغوی جلوگیری کردن، مانع شدن، جلو بستن (معین، سال ۱۳۶۰، ص ۱۱۹) و نیز اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از رخدادهای بد و ناخواسته (مشیری، سال ۱۳۶۴، ص ۱۲۴) معنا کرده اند. با توجه به معنای لغوی پیش گیری، این واژه هم به معنای پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و جلوی چیزی رفتن وهم به معنای آگاه کردن و هشدار دادن است (نجفی ابرند آبادی، سال ۱۳۷۸، ص ۱۳۵). اما از میان این معناها در جرم شناسی پیشگیرانه معنای نخست مد نظر است. براساس این معنا با اتخاذ تدابیر و به کار گیری اقدامات مناسب باید به استقبال جرم رفت و از ارتکاب این پدیده

جلوگیری کرد(نیازپور، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۲۷). با توجه به نگرشهای گوناگونی که در میان جرم شناسان وجود دارد، پیشگیری از بزهکاری را می توان به دو صورت عام و خاص تعریف کرد. در معنای عام، پیشگیری از جرم هر اقدامی است که جلوی ارتکاب جرم را بگیرد که این اقدام (یا اقدامات) می تواند جنبه کیفری داشته باشد. به دیگر سخن، هر آنچه علیه جرم باشد و سبب کاهش نرخ بزهکاری گردد در گستره معنای عام پیشگیری از جرم قرار دارد(نجفی ابرند آبادی، سال ۱۳۷۹، ص ۱۱) در این نگرش سیاست جنایی هم تدابیر کیفری و غیر کیفری را که حکومت با مدد جویی از سه قوه ی قانونگذاری، اجرایی و قضایی با هدف محدود کردن مهار بزهکاری و نیز پیشگیری اتخاذ می کند، در برمی گیرد. ناگفته پیداست که در این زمینه، مردم نقش بسیار پراهمیتی را برعهده دارند(نوربها، سال۱۳۷۸، ص ۱۱۰). بدین ترتیب در سیاست جنایی، پیشگیری را می توان به کار گیری راهکارهای گوناگون برای جلوگیری از بزهکاری تعریف کرد(اردبیلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹).

۲- تعریف پیشگیری از بزهکاری در مصوبه ی کمیسیون مجمع تشخیص مصلحت نظام

در ماده ۱ مصوبه، پیشگیری از جرم برای نخستین بار در قانون تعریف شده است تا علاوه بر تعریف جرم شناسی از پیشگیری، تعریفی قانونی از آن نیز وجود داشته باشد. به موجب این ماده پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از: «پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن» (نیازپور، منبع پیشین، ص ۱۵۰) در این ماده تلاش شده است علاوه بر پیشگیری کنشی، پیشگیری واکنشی نیز در تعریف جای گیرد. زیرا اطلاق عبارت خطر وقوع جرم، از یک سو پیشگیری از بزهکاری نخستین و از سوی دیگر پیشگیری از بزهکاری دوباره افراد را در برمی گیرد. بنابراین، این تعریف تا اندازه ای از معنای پیشگیری از جرم در جرم شناسی پیشگیرانه دور شده است زیرا پیشگیری از تکرار جرم را که موضوع قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ است در تعریف قسمت نخست این بند لحاظ کرده است. به دیگر سخن، در ماده ۱ معنای عام پیشگیری از بزهکاری مد نظر تدوین کنندگان لایحه قرار گرفته است.

۳- مفهوم عوامل خطر و عوامل حمایتی در آموزه های پیشگیری

امروزه پیشگیری از جرم بیش از گذشته به عنوان یکی از اجزای مهم طرح های ملی، در خصوص نظم و امنیت حضور دارد مفهوم پیشگیری برپایه ی این نکته بنا می شود که در پیدایش جرم وبزه دیدگی عوامل بسیار زیادی دخیل هستند. دامنه این عوامل بسیار وسیع است: شرایطی که افراد در آن رشد می کنند، شرایط بومی و محلی، موقعیت ها و فرصت های تسهیل کننده ی جرم، همگی در ایجاد جرم وبزه دیدگی دخیل هستند، که در کل متشکل از عوامل خطر و عوامل حمایتی می باشد.

۳-۱- مفهوم عوامل خطر در آموزه های پیشگیری

پس از تعیین نقش عوامل گوناگون در جرایم مختلف، می توان با اتخاذ راهکارها و انجام برنامه های مناسب این عوامل را تغییر داد و از ارتکاب این جرایم، پیشگیری یا میزان آنها را کاهش داد (جوان جعفری و سید زاده ثانی، منبع پیشین، صص ۳۸-۴۳). عوامل اساسی موثر در ایجاد جرم نوعاً عوامل خطر (Factors Risk) خوانده می شوند (عوامل خطر اصطلاحی است که بیشتر در حوزه ی پیشگیری توسعه مدار (Prevention Developmental) مطرح می شود و منظور از آن خصوصیات و شرایطی است که بر افراد یا الگوهای مجرمانه تاثیر می گذارد. این مفهوم در اینجا در مفهوم وسیع تری به کار رفته است. برای مطالعه بیشتر ر.ک. به : جلالی و رنامخاستی، زمستان ۱۳۸۶). از جمله عوامل خطر می توان به موارد زیر اشاره کرد:

تغییرات جهانی که شرایط اجتماعی و اقتصادی مناطق و کشورها را تحت تاثیر قرار می دهد، عوامل موثر بر کشورها و محیط ها، عوامل موثر بر خانواده و روابط نزدیک افراد و بالاخره عواملی که تاثیر آنها بر افراد قابل مشاهده است. در سطح جهانی تجهیزات عمده جمعیتی، گسترش سریع وبی ضابطه شهر نشینی، مشکلات زیست محیطی، بحران های اقتصادی و تغییر در الگوهای تجارت و ارتباطات یا الگوی جرایم سازمان یافته می تواند تاثیرات جدی بر مناطق و کشورها باقی بگذارد. چنین وقایعی می تواند اقتصاد سیاسی یک کشور یا منطقه را متاثر کند. این عوامل حتی می تواند زیر ساخت ها و توانایی اداره کشور را با چالش مواجه کند. جرایم سازمانی یافته فرامولی معمولاً روی ساختار ضعیف دولت ها حساب ویژه ای باز می کند و از دیگر سو افزایش قاچاق مواد مخدر، اسلحه یا انسان به شدت میزان جرم و خشونت را افزایش می دهد. الگوهای جهانی تاثیری فوری و بدون واسطه ندارند، بلکه شرایط و سیاستهای ملی یا منطقه ای می تواند از تاثیر الگوهای بین المللی کاسته و یا بالعکس تاثیر آن را افزایش دهد. به عنوان نمونه، سیاست های دولت در قبال پدیده مهاجرت ممکن است بر میزان قاچاق انسان و تعداد مرتکبان یا قربانیان این بزه تاثیر گذار باشد. در سطح ملی میزان فاصله طبقاتی در درآمد افراد از فقیر تا ثروتمند، میزان فساد، کیفیت زیر ساخت ها، نهادها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی، همه و همه می تواند موقعیت هایی را سبب شود که ریسک جرم و بزه دیدگی را افزایش دهد. ضریب جینی (The Gini Coefficient) در خصوص نحوه توزیع درآمدها در یک کشور، ابزار مناسبی در جهت مقایسه این امر در کشورهای مختلف به شمار می رود. در سطح محلی کمبود زیر ساخت ها، بودجه و اختیارات اداری، شرایط نامناسب اسکان، و همسایه ها، فقدان امکاناتی نظیر بهداشت و آموزش مناسب، بیکاری

ودسترسی آسان به مواد مخدر یا سلاح گرم، ریسک جرم وبزه دیدگی را افزایش خواهد داد. در داخل شهرها معمولا اختلاف شدید طبقاتی میان مناطق مختلف شهر وجود دارد. عوامل خطر بزهکاری و بزه دیدگی در سطح شخص نیز وجود دارد. به عنوان نمونه برخی از شرایط بیولوژیکی و شخصی، سبب بروز رفتارهای پرخاشجویانه یا اعتیاد شدید به مواد مخدر می شود. از دیگر سو، عوامل خطر را می توان در روابط افراد نیز جست و جو کرد به عنوان نمونه وجود والدین خشن یا بی انضباط، دعوا و یا خشونت خانودگی و بدرفتاری، شرایط خانواده نظیر فقر یا انزوا و روابط فرد با گروه دوستان و همسالان ممکن است به بالا رفتن خطر بزهکاری وبزه دیدگی منجر شود. پس از شناخت عواملی که جوامع، مردم و افراد را در معرض خطر قرار می دهد، می توان به تعیین گروه ها، مناطق و افراد که برنامه های پیشگیری باید در آن مناطق اجرا شود پرداخت. به دیگر سخن، شناخت عوامل موثر بر جرم، سبب می شود تا در برنامه های پیشگیری، گروه ها و اشخاص هدف که در حال حاضر درگیر جرم بوده یا در خطر ارتکاب جرم قرار دارند، مشخص شود. در سطح ملی، شناخت عوامل جرم به دولت ها کمک می کند تا اولویت سنجی آسیب های ناشی از جرم را، به درستی تعیین کند و برنامه های پیشگیری از جرم را در مناطق، شهرها و بخشهایی که بیشتر آسیب پذیر به نظر می رسند به اجرا درآورند. تجربه ثابت کرده است که هدف گذاری و حمایت مالی به شیوه فوق، راهی مناسب و اقتصادی در جهت مبارزه با جرم وبزه دیدگی به شمار می رود.

۳-۲- مفهوم عوامل حمایتی در آموزه های پیشگیری

همان گونه که ملاحظه شد در عوامل خطر، به بحث پیرامون عوامل منفی ایجاد جرم پرداخته می شود؛ اما در رویکردی دیگر، می توان به عواملی پرداخت که شهرها، جوامع و افراد را در قبال ارتکاب جرم مقاوم می سازد. این عوامل که می توان آنها را عوامل مقاومت زا (Protective Factors) نامید به افزایش مقاومت جوامع یا افراد در برابر عوامل جرم کمک می کند. از جمله این عوامل می توان به موارد زیر اشاره کرد: اداره مناسب شهرها و میزان کم نابرابری در شهرها، رهبری مناسب و عادلانه، نظام عدالت کیفری شفاف و کارآمد، بودجه و سرمایه گذاری کافی در برنامه های اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی و در پایان مشارکت شهروندان در اداره امور.

عوامل مقاومت زا در سطح جوامع نیز قابل شناسایی هستند: در دسترس بودن آموزش و اشتغال مناسب، علقه ها و روابط اجتماعی قوی به خصوص ارتباط با گروه های مذهبی و خیریه یا سالمندان مورد احترام، در دسترس بودن تفریح، حمل و نقل و دیگر امکانات همه و همه از جمله عواملی هستند که به افزایش مقاومت جامعه در برابر بزهکاری می انجامد. عوامل

مقاومت را در کودکان و جوانان متنوع بوده که از جمله می توان به مراقبت و سرپرستی دائمی والدین، الگوهای مناسب رفتاری و ادامه تحصیل اشاره کرد. بنابراین، چنانچه جامعه بتواند خدمات و امکانات را در مناطق مختلف گسترش دهد، سرمایه های اجتماعی مناطق را بهبود بخشد و بالاخره فرصت های آموزشی را ارتقا دهد، می تواند به افزایش مقاومت افراد در مقابل جرم و بزه دیدگی امید داشته باشد (ر.ک. به: رایجیان اصلی، مهرداد، منبع پیشین، صص ۱۲۳-۱۶۸).

۴- جایگاه پیشگیری در مرحله تقنینی ایران

قوه قضاییه در راستای اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون، بند ۴ ماده ۱۳۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بند ۶-۳ هدف های اختصاصی و عینی برنامه جامع و عملیاتی پنجم ساله دوم توسعه قضایی اقدام به تصویب مصوبه ای برای پیشگیری از جرم کرده است. در این مصوبه، برای اولین بار با ارائه ی تعریف قانون از پیشگیری از بزهکاری و گونه های آن، ایجاد « ساختار ملی پیشگیری از وقوع جرم» را پیش بینی کرده است. از ویژگی های این مصوبه می توان به تمرکز گرایی در مدیریت پیشگیری از جرم از طریق ایجاد « شورای های استان و شهرستان پیشگیری از وقوع جرم» و نیز مشارکتی کردن پیشگیری از وقوع جرم اشاره کرد. فلذا به منظور نظارت بر مصوبات شورای عالی، کمک به پیش برد سیاست ها و برنامه های ملی و منطقه ای پیشگیری از جرم و مطالعه و پژوهش در حوزه های راهبردی پیشگیری از جرم، سازمان پیشگیری از جرم زیر نظر قوه قضائیه تشکیل شود و همچنین براساس مصوبه ی پیشگیری از وقوع جرم دولت موظف است پس از بررسی هر ساله در ردیف بودجه، به طور جداگانه و متمرکز بودجه ای برای اجرای برنامه های ملی، منطقه ای و محلی پیشگیری از جرم منظور کند (نیکوروش، اسلامی مقدم، منبع پیشین، صص ۴۳).

۵- جایگاه پیش گیری در آموزه های قرآنی

اسلام که انسان را موجودی برتر و دارای قوا و استعداد های فوق العاده در مسیر رشد و تعالی می داند، ضمن توجه به اهمیت و ضرورت پیشگیری از سقوط و انحطاط اخلاقی و عملی انسان، این امر را با تربیت روحی و معنوی او پیوند زده است و آموزه های متعدد و متنوعی را به این امر اختصاص داده است که توجه و بکارگیری آنها نه فقط موجب پیشگیری از وقوع جرم و انصراف درونی از اقدامات مجرمانه می گردد، بلکه رشد و تعالی روحی و معنوی انسان را نیز تضمین کرده و او را به هدف والاییکه برای آن آفریده شده است نزدیک می کند. از میان آموزه های دینی که به این مسئله پرداخته است آموزه های

قرآنی به لحاظ تاثیرگذاری و تنوع و گستردگی از برجستگی خاصی برخوردار است که اقتضا می کند به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرند. به ویژه که تا کنون بحث و بررسی خاصی در مورد آنها صورت نگرفته است. اصیل ترین متن دینی مملو از آموزه هایی است که مستقیم و یا غیر مستقیم به پیش گیری از جرم و انحراف های اخلاقی و رفتاری مربوط می شود به گونه ای که آموزه های کیفی در مقایسه با این آموزه ها حجم بسیار کوچکی را به خود اختصاص می دهد و یک رویکرد فرعی به فرایند مبارزه با جرم محسوب می شود. گفتنی است که در این جستار کوتاه نمی توان تمامی آموزه های پیش گیرانه قرآنی را مورد بررسی قرار داد و تنها به دسته بندی این آموزه ها و ارائه نمونه هایی از هر یک اکتفا خواهد شد، باشد که زمینه برای انجام یک بررسی گسترده و جامع در این خصوص فراهم گردد. آموزه های پیش گیرانه در قرآن را می توان به سه گروه طبقه بندی کرد: اول؛ اعتقادات پیش گیرانه. گروه دوم؛ اخلاقیات پیش گیرانه و گروه سوم احکام پیش گیرانه. (محمد نسل، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸).

گروه اول: اعتقادات پیش گیرانه: آموزه هایی است که با معتقد نمودن انسان به مبدا و معاد و تبیین فلسفه حیات، او را در صراط مستقیم کمال قرار می دهد و از هر گونه انحراف از مسیر اصلی زندگی حفظ می کند. این آموزه ها با معنا بخشیدن به زندگی انسان او را از احساس بی هویتی و پوچی در زندگی که می تواند منشا گسستگی از ارزشهای انسانی باشد دور می کند و با امید بخشیدن به انسان او را در برابر ناملایمات زندگی مقاوم و استوار می نماید (توبه/۳۱)، (اسراء/۲۳)، (آل عمران/۵۱) (یس/۶۰)، (فرقان/۴۳)، (قصص/۵۰).

الف- اعتقاد به خداوند والوهیت او (آل عمران/۱۱۴)، (مومنون/۶۱)، (قصص/۸۳).

ب- اعتقاد به علم و آگاهی خداوند (فصلت/۵۳)، (نساء/۳۳)، (آل عمران/۵)، (انعام/۲۳۵)، (نحل/۱۹)، (نور/۲۹)، (غافر/۱۹)، (بقره/۲۳۵)، (انفال/۲۴).

ج- اعتقاد به معاد و تحقق عدالت (حج/۷)، (انعام/۱۲۴)، (سجده/۱۲)، (معراف/۱۱-۱۴)، (یونس/۵۴)، (کهف/۴۹)، (آل عمران/۳۰).

د- اعتقاد به تاثیرات اعمال و رفتار انسان بر سرنوشت او (کهف/۱۴)، (محمد/۱۴)، (روم/۱۰)، (انعام/۱۲۰)، (انعام/۱۲۴)، (طه/۷۴).

گروه دوم: اخلاقیات پیش گیرانه : که بیشترین حجم آموزه های پیش گیرانه را به خود اختصاص می دهد، آموزه هایی است که انسان را به داشتن فضائل و مکارم اخلاقی دعوت می کند و ارتباط او را با دیگران به گونه ای تنظیم می کند که نه تنها به خود اجازه نمی دهد به حقوق آنان تجاوز نماید، بلکه خود را ملتزم به نصیحت و خیرخواهی و ایثار و گذشت نسبت به آنها می داند.

الف- توصیه و تشویق به رعایت تقوا(حدود صد آیه در قرآن کریم دستور به رعایت تقوا داده)، (اعراف/۱۲۸)، (توبه/۷)، (بقره/۱۹۴).

ب- توصیه به عفو و گذشت(شورا/۳۹)، (شورا/۳۷)، (آل عمران/۱۳۴)، (نغابن/۱۴)، (نور/۲۲)، (مومنون/۹۶)، (فصلت/۳۴).

ج- توصیه به انفاق، احسان ایثار(بقره/۲۵۴)، (حدید/۷)، (بقره/۱۹۵)، (حشر/۹).

د- توصیه به حسن ظن(حجرات/۱۲)، (نور/۱۲).

گروه سوم: احکام و مقررات پیش گیرانه : قوانین و مقررات و دستوراتی است که التزام به آنها فرد و جامعه را در حالت اعتدال قرار می دهد و از به وجود آمدن بحران ها و وضعیت های جرم زا جلوگیری می کند. این احکام ضمن فراهم نمودن امکان برخورداری از مواهب طبیعی و تامین کلیه ی نیازهای مشروع بشری و تنظیم روابط رسمی انسان ها با یکدیگر براساس حق و عدل، آنان را از ورود به حریم لغزش ها و انحرافات رفتاری حفظ می کند. در صورتی که پیش گیری کیفی را نیز نوعی پیش گیری بدانیم، آموزه ها و احکام کیفی قرآنی را نیز می توان بخشی از احکام پیش گیرانه دانست که از دیدگاه جرم شناسی، پیش گیری ثالث و یا پیش گیری از تکرار جرم محسوب می شود و بخشی دیگر واجبات و محرمات(اوامر و نواهی) است.

الف - وجوب نماز یا ذکر مستمر(بقره/۲)، (ابراهیم/۳۱)، (طه/۱۴)، (معارج/۳۴)، (مومنون/۲)، (نساء/۴۳)، (معارج/۱۹-۲۳)، (عنکبوت/۴۵)، (ماعون/۴).

ب- وجوب روزه یا مجاهده ی با نفس(آل عمران/۱۱۴).

ج - وجوب امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عمومی (بقره/۱۸۳)، (توبه/۷۱). (خسرو شاهی، سال دهم، شماره

۳۱-۳۰)

۶- برنامه های توسعه هزاره

یکی از دغدغه‌های امروزه جوامع بشری در سطح داخلی و بین‌المللی، سیر صعودی جرائم خصوصاً جنایات سازمان یافته است. مسلماً هر یک از افق‌های فکری و تدابیر و اقدامات در سطح داخلی و بین‌المللی که بتواند زمین‌بهای در پیشگیری از جرم را فراهم کند می‌تواند ضمن تامین اهداف عالی حقوق بشری، یکی از معضلات اساسی جوامع و نظم بین‌المللی را برطرف نماید. در نتیجه عدم موفقیت نظام کیفری سنتی (مبتنی بر سزادهی و باز پروری) در مهار نرخ فزاینده بزهکاری، ضرورت اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. از میان انواع رویکردهای جاری، پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی جایگاه خاص در میان پژوهش‌های جرم‌شناختی و سیاستگذاری‌های جنایی یافته است. ضرورت بررسی شرایط اجتماعی جرم‌زا و تشریح مساعی جامعه و ارکان مختلف آن از قبیل خانواده، نهادهای آموزش، بهداشتی و خدماتی در پیشگیری از جرم، هرگز تابه این حد مورد توجه قرار نگرفته بود. درست به همین دلیل است که در این رویکرد تاکید می‌گردد که قوت وضعف هر کدام از برنامه‌ها و نهادهای مذکور، نقش موثری در افزایش یا کاهش نرخ بزهکاری آینده در اجتماع خواهد داشت. یکی از این برنامه‌ها، برنامه توسعه هزاره می‌باشد که کشورها در میثاقی متعهد به عملیاتی کردن برنامه‌های آن تا سال ۲۰۱۵ شده‌اند تحلیل هر یک از برنامه‌های توسعه هزاره می‌تواند در پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرم، مفید واقع شود ضمن اینکه در هر یک از بندهای این برنامه ردپای آموزه‌های پیشگیری اجتماعی و وضعی مشهود است پس تحلیل تعامل آموزه‌های پیشگیری با برنامه توسعه هزاره با عنایت به حیاتی بودن در ترسیم یک سیاست جنایی کار آمد، امری است اجتناب ناپذیر، که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. فلذا مطالعه و آشنایی با این اهداف و برنامه‌ها و مشکلات و چالش‌های فراروی آنها برای سیاست‌گذاری برجهت توسعه اجتماعی و کاهش جرم که اکنون در آستانه‌ی درک شکست نظام کیفری سنتی و ضرورت توجه بیشتر به پیشگیری از جرم است، خالی از فایده نخواهد بود (هاوارد، ترجمه: غلامی، سال ۱۳۷۴)، صص ۱۵۸-۱۳۲).

۶-۱- ریشه کن کردن فقر شدید و گرسنگی: (به نصف رساندن نسبت افرادی که با روزی کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند و کسانی که از گرسنگی رنج می‌برند)، آیا خانوارها یا افراد منابع و امکانات لازم همچنین توانایی برای دستیابی به

نیازهای خود را دارند؟ ساده ترین راه اندازه گیری در این خصوص براساس درآمد خانوارهاست، و شاخص سازمان ملل درآمد روزانه معادل یک دلار آمریکاست حتی با این تعریف ساده و غیر علمی بیش از دوازده میلیارد انسان یعنی حدود یک پنجم مردم جهان در شرایط فقر شدید بسر می برند، (پروژه هزاره سوم سازمان ملل (۲۰۰۸). توجه اساسی به مسئله فقر در برنامه توسعه هزاره توجه به معنای عدم تساوی و ارتباط آن با معنای فقر است در واقع جایگاه نسبی افراد و خانوارها بسیار حائز اهمیت است زیرا سطح کلی نابرابری یک شاخص مهم از سطح رفاه می باشد، بنابراین کاهش فقر در کشورهایی که از عدم تساوی کمتری برخوردارند سریعتر خواهد بود. هرچه سطح نابرابری کمتر باشد سهم سودهای ناشی از رشد که به اقشار کم درآمد تخصیص داده می شود بیشتر خواهد بود، بنابراین اولین هدف توسعه هزاره گرههای عمیقی با برنامه های فرهنگی و حقوقی دارد و به همه کشورها برای اجرای سیاست هایی که به رشد اقتصادی و کاهش فقر موثر هستند فشار می آورند همچنین تلاش می کند در سیستم های مالی تجاری شفافیت ایجاد نماید و این سیستم ها را عاری از تبعیض و مبتنی بر قانون سامان دهی نماید (حقوق بشر روندها و نظرها).

۶-۲- دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی: (تضمین تکمیل دوره تحصیلات ابتدایی و دسترسی برابر به سطوح آموزشی برای همه کودکان جهان فارغ از جنسیت آنها)، تفاوت اهمیت تحصیلات کودکان در نقاط مختلف جهان بسیار فاحش است، به عنوان مثال در حالی که به طور متوسط حدود هشتاد درصد از کودکان کشورهای در حال توسعه در مدارس ابتدایی ثبت نام می کنند، در کشورهای آفریقایی این رقم نزدیک به پنجاه و هفت درصد است (فقط یک نفر از هر سه کودک آفریقایی آموزش های ابتدایی را می بینند) این درحالی است که فاصله طبقاتی و بخصوص جنسیت کودک نقش اصلی را در عدم آموزش او بازی می کند یعنی سه پنجم کودکانی که به مدرسه نمی روند دختران هستند و زنان سهم معادل دو سوم بزرگسالان بی سواد را دارند، (سازمان ملل (۲۰۱۰). این هدف با هدف کاهش فقر رابطه تنگاتنگ دارد زیرا در سطوح محلی هزینه های آموزش، ثبت نام، لباس های فرم و ... مانع ورود کودکان به سیستم آموزش می گردد و در سطوح ملی بودجه های عمومی برای تامین آموزش های با کیفیت بسیار ناچیز می باشد و معمولاً سهم فقرا کمتر از آن چیزی است که باید بدست آورند، این درحالی است که فقیرترین کشورها نیاز دارند به منظور فرار از فقر آموزش های اولیه را برای همه افراد تامین نمایند. با تلاش های برنامه توسعه هزاره تقریباً در تمامی مناطق جهان نرخ خالص ثبت نام گسترش چشم گیری یافته بصورتی که با توجه به رایزنی های فرهنگی بسیاری از کشورها به هدف ثبت نام در مدارس ابتدایی نزدیک تر

شده اند، (پروژه هزاره سوم سازمان ملل (۲۰۱۱) a).

۶-۳- تشویق مساوات بین جنسیت ها و توانمند ساختن زنان : سازمان ملل تساوی جنسیتی را به عنوان یکی از مهمترین اهداف بلند مدت خود مطرح نموده است نه تنها موضوع برابری جنسیتی به تنهایی حائز اهمیت است ، بلکه از آنجا که راهی برای بدست آوردن درآمدهای بالاتر ، کمک به کاهش مرگ و میر کودکان و بهبود وضعیت سلامت و افزایش بهره وری و کمک به توسعه است نیز مورد توجه است . از جمله فعالیت ها در این خصوص تقویت توانایی اقتصادی زنان به عنوان کار آفرین و تولید کننده است ، همچنین فراهم کردن زمینه های افزایش مشارکت زنان در حکومت و رهبری و تصمیم گیری های مهم سیاسی ، و حمایت از حقوق بشر زنان به منظور عادلانه تر کردن مسئله توسعه است (حقوق بشر روندها و نظرها).

۶-۴-۵ کاهش میزان مرگ و میر کودکان (کاهش مرگ میر دوسوم کودکان زیر پنج سال) بهبود بهداشت مادران (کاهش سه چهارم مرگ میر زنان هنگام زایمان) : هر ساله بیش از ده میلیون کودک بر اثر بیماریهای قابل کنترل می میرند ، این درحالی است که بیش از یک میلیون زن هرساله در هنگام زایمان و مشکلات ناشی از بارداری فوت می کنند . در کشورهای در حال توسعه تنها یک چهارم زنان باردار توسط متخصصین زنان و بهداشت معاینه میشوند ، خطر مرگ میر دختران زیر پانزده سال در هنگام زایمان پنج برابر زنانی است که دهه بیست سالگی را پشت سر گذاشته اند . کشورهای توسعه نیافته به ندرت سه درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف خدمات بهداشتی می نمایند ، علاوه براین میلیونها کودک هرساله بر اثر سوء تغذیه از بین میروند و کودکان بیشماری هم قربانی جنگ و شکل های شدید بهره کشی می گردند . هدف در این مرحله دسترسی کودکان به حداقل آموزش و پرورش ، تغذیه مناسب و مراقبت های بهداشتی است (کمیته FAO در خصوص ایمنی غذا (۲۰۰۸) ، ILO (۲۰۱۰) ، پروژه هزاره سوم سازمان ملل (۲۰۱۱) .

۶-۶- مبارزه با ویروس ایدز ، بیماری مالاریا و سایر بیماریهای خطرناک : (متوقف کردن سیر صعودی این بیماریها و کمک فوری به کودکانی که در اثر این بیماریها بی والدین شده اند) این چند بیماری باعث کشته شدن تعداد زیادی از کودکان و والدین آنها در سطح جهان گردیده است بیماری ایدز به تنهایی باعث مرگ میلیون ها کودک بخصوص در آفریقا شده است ، این نرخ بالای بیماری سبب کشته شدن جوانان مورد نیاز ممالکی می گردد که آینده اقتصادی اجتماعی

جوامعشان وابسته به آنها است، اگر به نرخ بالای ابتلا بیماری ایدز، سل و مالاریا را هم بیافزاییم دورنما بسیار ناراحت کننده می گردد، هر ساله بیش از هشت میلیون نفر به بیماری سل مبتلا می گردند و این بیماری بیش از دو میلیون انسان را سالیانه می کشد همچنین مالاریا هر ساله بر زندگی پانصد میلیون انسان تاثیر می گذارد که یک میلیون نفر از آنها را به کام مرگ می کشد (سازمان ملل ۲۰۱۱)

۶-۷- تضمین پایداری محیط زیست: این هدف دارای سه مقصد مشخص و متمایز است، تکمیل اصول توسعه پایدار در سیاست کشورها، ممانعت از هدر رفتن منابع طبیعی، توجه به کاهش میزان شیلا دنیا، فرسودگی خاک، تغییرات آب و هوا، وجود گازهای گلخانه ای، که همگی از مهمترین عوامل موثر در توسعه کشورها هستند. در این زمینه تلاش میشود اصول توسعه پایدار در سیاست ها و برنامه های کشورهای جهان گنجانده شود و از تخریب منابع طبیعی جلوگیری گردد. همچنین کاهش نسبت افراد فاقد دسترسی به آب آشامیدنی سالم، به نصف رساندن و بهبود زندگی حداقل صد میلیون ذاعه نشین از جمله زیر مجموعه های این هدف است.

۶-۸- ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه: با توجه به این هدف تلاش شده است نظام تجاری و مالی بازترو باتعهد بیشتر و همچنین زمینه برای ایجاد حکومت های مطلوب در سطح ملی و بین المللی فراهم گردد. از دیگر رویکردهای این هدف رسیدگی به نیازهای ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته و نیازهای خاص کشورهای محصور در خشکی و کشورهای کوچک جزیره ای در حال توسعه است. توجه خاص در این هدف رسیدگی به کار جوانان، تامین دسترسی به داروهای حیاتی، ایجاد بهره گیری از فن آوریهای جدید بویژه فن آوری اطلاعات ارتباطی و همکاری با بخش خصوصی و توجه به حذف بدهی ها و دریافت وام برای کمک به ایجاد اشتغال در کشورهای فقیر است.

-بنابراین با توجه به تمام آنچه بیان گردید در برنامه توسعه هزاره: استراتژیهای کمک های دریافتی با سیاست های علیه فقر در سطح ملی کشورهای فقیر همسو و همگام شده است. آمار جدید و تحلیل صحیح از مجموعه منابع آماری که توسط متخصصین آمار، کارشناسان یونیسف، سازمان بهداشت جهانی، بانک تجارت جهانی و بخش جمعیت سازمان ملل جمع آوری شده ارائه گردیده است. توجه ویژه به مداخلات بهداشتی کلیدی مانند ایمن سازی شامل واکسیناسیون سرخک، استفاده از پشه بند های ضد مالاریا برای پیشگیری از ابتلا، استفاده از مکمل ویتامین آ شده است. همچنین توجه به دو علت اصلی

مرگ و میر کودکان یعنی ذات الریه و اسهال و استفاده از ابزار واکسیناسیون. آژانس های حمایتی به منظور دستیابی به کارایی بیشتر در مورد مسائل مربوط به بهداشت زنان ایجاد گردیده است که شامل برنامه های: بهبود وضعیت سلامت مادران، دخالت مستقیم برای کاهش خطر مرگ دختران جوان در هنگام زایمان، معاینه دائم زنان توسط متخصصین در زمان بارداری، می باشد. فدراسیون های تعاونی در کشورهای در حال توسعه و آژانس های توسعه تعاونی در جهت ایجاد روابط متقابل بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته برای همکاری در حوزه توسعه اقتصادی راه اندازی شده است. موارد مذکور تنها بخشی از برنامه پیچیده توسعه هزاره می باشد که با وجود نواقص اساسی می تواند راهگشای فراهم سازی زمینه های مساعد پیشرفت اکثر کشورها در چند حوزه اقتصادی اجتماعی فرهنگی باشد (یوسفی، ر.ک. به: حقوق بشر روندها و نظرها، موسویان، ۱۳۸۷).

۷- ارتباط برنامه های توسعه هزاره با آموزه های پیشگیری: در این بخش الزامات بزههای مانع از تحقق اهداف توسعه هزاره را پیش رو می آوریم چرا که با به تصویر کشیدن آنمی خواهیم به طور مختصر و تمثیلی به جرایم خاصی اشاره داشته و بیانگر این مطلب باشیم که اهداف توسعه با به تحقق رسیدن، چگونه از جرایم موجود به طور ریشه ای پیشگیری می کنند و چگونه با پیشگیری از جرایم مذکور در جهت تحقق اهداف توسعه ی هزاره نقشی اساسی ایفا خواهیم کرد.

۷-۱- جرایم موجود در خصوص آرمان اول اهداف توسعه (از بین بردن فقر شدید و گرسنگی): آنچه در خصوص این هدف به ذهن تبادر می کند جرایمی از قبیل: جرایم و مفسد اقتصادی، سرقت، گران فروشی، تحصیل مال نامشروع، جیب بری، کیف قاپی، تخریب اموال عمومی و ... است که فقر را زیاد تر کرده و بیشترین ضربه های خود را به این قشر (فقرا) وارد می سازد که مبارزه با فقر از طریق ایجاد اشتغال، از بین بردن مفسد اقتصادی و مجازات افراد مجرم و افرادی که سوء استفاده های اقتصادی می کنند، راه علاج این معضل می باشد و چنانچه در اولین آرمان برنامه ی توسعه ی هزاره مشخص است در جهت از بین بردن فقر شدید و گرسنگی راه کارهایی ارائه داده شده تا افراد فقیری، که به علت فقر و گرسنگی خویش ناچار به انجام جرایم می شوند، انگیزهای جبری فعل مجرمانه ی شان از آنها گرفته شده و شغل و درآمد و وجهه ی اجتماعی مناسبی به آنها داده شود، که این خود تعاملی بین اهداف توسعه هزاره و پیشگیری از جرم می باشد.

۷-۲- جرایمی که در به تحقق پیوستن دومین آرمان توسعه هزاره، مانع محسوب می شوند: در بخش تعامل و همسویی اقدام های مدرسه مدار و تحصیلات با پیشگیری از بزهکاری و همچنین در بخش تعامل آموزه های

پیشگیری از تکرار جرم با برنامه ریشه کنی بی سوادی و ... به طور مفصل بحث گردید و مشخص شد که آموزش های ابتدایی همگانی که حداقل آن ریشه کنی بی سوادی است ، با افزایش آگاهی و آموزش مسایل اخلاقی و هنجارهای اجتماعی و دینی و رشد ابعاد فکری ، انسانها را به مسیر تکامل و تعالی روح و منزلت اجتماعی می کشاند که در طول زمان اثر مثبت و قابل توجهی در تحلیل آمار جرم و جنایت در جامعه خواهد شد ، پس آنچه به ذهن متبادر می گردد این است که تمامی جرایم که توسط افراد جامعه انجام می شود به نوعی به طرز افکار و عدم آموزش کافی و عدم مقید بودن به هنجارهای انسانی مربوط است که با قدم برداشتن در جهت دست یافتن به ریشه کن کردن بی سوادی (آموزش ابتدایی همگانی) ، گامی بزرگ در این راستا برداشته شده و مطمئناً نتایج محسوس و مطلوبی حاصل خواهد گردید . همچنین برنامه چهارم توسعه کشور ، دانایی محور است ؛ از یک سو برای ایجاد ظرفیت های دانایی و آگاهی میان اقشار مختلف مردم و از سوی دیگر بر بهره گیری از ظرفیت ها و توانمندی ایجاد شده با آموزش ها و تحصیلات در نیروی انسانی برای توسعه ی همه جانبه ی کشور تاکید می کند. تحقق توسعه ی مبتنی بر دانایی بدون ایجاد زمینه های لازم برای فراهم آوردن فرصت های قابلیت زا برای عموم مردم نیز اعم از تمامی اقشار (فقیر و عادی) ، زن و مرد ، امکان پذیر نیست (علی بیگی، فقیری ، سال ۱۳۹۱، صص ۱۲۴-۱۰۵). پس با این توضیح به وضوح نمایان است که آرمان دوم نیز در تعامل با پیشگیری از جرم در اجتماع می باشد .

۷-۳- توانمندی سازی زنان و ترویج برابری جنسیتی سومین هدف توسعه هزاره سوم است : با وجود

آنکه دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه ها اعم از خانوادگی ، اجتماعی ، اقتصادی امکان پذیر نیست ، اما مطالعات نشان می دهد که عوامل اجتماعی و فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از زن و مرد موانع مهمی را بر سر راه مشارکت زنان به وجود آورده است و باتوجه به توضیحات مسبق زنان جزء افراد فقیر ضعیف به عنوان سیبلی مناسب برای بزه دیده شدن به دلیل عدم توانایی و قدرت قرار گرفته اند. توانمندسازی زنان نه تنها موجب افزایش منزلت اجتماعی زنان در خانواده و جامعه می گردد بلکه کاهش تنش و خشونت علیه زنان در جامعه و خانواده را نیز به دنبال خواهد داشت، با این اوصاف امروزه سهم کردن زنان در قدرت و توسعه نه امری از سراجتیار ، بلکه یک امر ضروری حتی اجباری است (علی بیگی، فقیری منبع پیشین). جرایمی از جمله ضرب و شتم در خانواده ها علیه زنان، سوء استفاده های جنسی در جامعه از زنان، فقر شدید زنان و خود فروشی زنان و دیگر جرایم مربوط به جامعه فقرا و قشر ضعیف ، در این آرمان با ترویج توانمند سازی کمتر شده و الزاماً پیشگیری از جرایمی در جامعه خود به خود انجام می گردد و آمار جرم کاهش می یابد.

مشارکت سیاسی اجتماعی زنان در کشورهای در حال توسعه و بسیج آن ها در قالب مشارکت موثر و سازمان یافته در فرایند توسعه ی پایدار جایگاه ویژه ای دارد. براساس آمارهای رسمی کشورمان، بیش از نیمی از جمعیت ۷۰ میلیونی جامعه ایران را زنان تشکیل می دهند. مشارکت زنان در جامعه بدان جهت از ارزش و اعتبار برخوردار است که زمینه را برای ایجاد توسعه ی پایدار مهیا می سازد ، اصلی ترین وظیفه ی هریرانی به ویژه زنان ، رسیدن به سرچشمه دانایی است . چرا که « تنها با خردورزی افراد جامعه است که آن جامعه به سوی خیر و نیکی هدایت می شود» (رضوی الهاشم، سال ۱۳۸۸ ، صص ۷۳-۶۰).

۷-۴- چهارمین هدف توسعه هزاره که کم کردن مرگ و میر کودکان است: هم از لحاظ بارمالی و هم از بعد عاطفی و استحکام بنیان خانواده ها ضربه های سنگینی را به تداوم خانواده ها و جامعه وارد می کند و مطلب قابل توجه اینکه مرگ و میر کودکان در اقشار ضعیف و فقیر و بی سواد جامعه، که از امکانات کمتری برخوردارند بیشتر دیده می شود و نتیجتاً از لحاظ مالی منجر به تحت فشار قرار دادن خانواده ها برای انجام جرایم مالی نیز می شود و یا با مشکل دار کردن بنیان خانواده ، منجر به وقوع جرایمی از قبیل کودک آزاری یا طفل دزدی یا همان آدم ربایی می گردد و همچنین با ارزش نهادن به این مسئله و پیشگیری از مرگ و میر کودکان ، ارزش والای انسانی جلوه ای نمایانتر به خود گرفته و با تصویرسازی محسوس تر میزان اهمیت انسان ، ارزش و شخصیت دهی در اذهان و فرهنگ یک ملت بالاتر رفته، به مراتب هنجار شکنی توسط یک انسان نیز مسلماً کمتر شده و از آمار جرایم کاسته می شود و نیز آنچه مسلم تر هست، تاثیر گذاری و ایجاد تداوم در زندگی های مشترک توسط فرزندان است و با نبود آن از هم پاشیدگی کانون خانواده راحت تر انجام می شود و نتیجتاً اغلب منجر به ایجاد جرایمی دیگر در جامعه می شود که این ارتباط را نمی توان نادیده گرفت . پس آنچه در خصوص این آرمان نیز به وضوح آشکار است ارتباط موثر در آمار جرایم می باشد که با پیشگیری از این علل موثر نتایج مثبتی ای حاصل خواهد گشت.

۷-۵- بهبود سلامت مادران پنجمین آرمان توسعه هزاره است: که جرایمی از جمله جرایم جنسی ، قاچاق دارو، عدم تامین مخارج یا عدم پرداخت نفقه در خانواده ، مانع از رسیدن به این اهداف است چنانچه در هدف رفع تبعیض جنسیتی توضیحاتی در خصوص لزوم تساوی زن و مرد داده شد، می خواهیم به اهمیت سلامت مادران که پرورش دهندگان آینده ی جهان هستند پرداخته و به ریشه دواندن سلامتی و یا غیر سالم بودن مادران در فرهنگ و روح و جسم فرزندان نسلهای آتی جستاری داشته باشیم. تامین عاطفه، پرورش جسم و روح فرزندان یا شکل گیری نادرست نظام شخصیتی و اجتماعی شدن افراد در کودکی و نوجوانی، فرایند تربیت آنان را دچار اختلال می کند. و احتمال بروز رفتار های ضد اجتماعی آنان را

افزایش می دهد. پس تعامل بین سلامت (جسمی و روحی) مادران و میزان تاثیر آن در آمار هنجار شکنی به طور مستقیم ارتباط داشته چرا که مادران سالم می توانند فرزندان سالم را در جامعه تربیت دهند و رابطه ی عکس این نیز پایدار است (گراهام، ترجمه: خواجه نوری، منبع پیشین، ص ۳۰۷).

۶-۷- مبارزه با بیماری ایدز، مالاریا و دیگر بیماری های واگیر دار ششمین آرمان توسعه هزاره است: که

می تواند گامی موثر در توسعه ی پایدار جامعه داشته باشد، چنانچه در قسمت ارتقا سلامت مادران در مبحث فوق توضیحاتی در خصوص لزوم سلامت مادران داده شد، لازم است به اهمیت مبارزه با بیماری های مذکور در جهت سلامت کل افراد جامعه پرداخت چرا که بیماری جسم رابطه ی مستقیمی با بیماری روح داشته، و بالخصوص بیماری هایی که منجر به مرگ می شوند امید و انگیزه ی زندگی را از بین برده و برای ادامه دهیمفهمی را در بر نخواهد داشت، مخصوصا بیماری ایدز که در فرهنگ و عرف جامعه امروزی ما مترود بوده و نتایج بدتر از یک بیماری کشنده به افراد دچار شده و صد البته در جامعه در برخواهد داشت و بدتر اینکه آمار نشان می دهد که اغلب افراد دچار شده به این بیماری از راه های نامشروع نهایت تلاش خویش را می کنند تا دیگر افراد جامعه را با خود به این منجلاب بکشند، که نتیجه ای جز انجام هنجار شکنی های اجتماعی در برنخواهد داشت فلذا مبارزه با این بیماری ها و بازگرداندن این افراد به آغوش جامعه و هم رنگ کردن آنان با مردم عادی از تنش های هنجار شکنی خواهد کاست و نتیجه ای مثبت در کاهش آمار جرم به بار می آورد.

۷-۷- هفتمین هدف توسعه هزاره تضمین پایداری محیط زیست است: جرایم مانع از رسیدن به این هدف

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل بیست و پنجم آورده شده است که قطع درختان و تخریب مراتع در م ۹۱۱ و م ۹۱۲ معین گردیده و اقدامات علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست نیز در م ۹۱۴ قانون مجازات اسلامی با دو تبصره آورده شده است ولی متأسفانه عدم تعیین مجازات برای معاونین و افرادی که شروع به جرم را انجام داده اند و همچنین تعیین مجازات برای اشخاص حقوقی در آلودگی محیط زیست در قانون موخر التصویب نیز نیامده است. محیط زیست سالم در دهه های اخیر به عنوان یک حق، برای زندگی هرچه بهتر و سالم تر بشر شناخته شده است. در پی این شناسایی تا کنون اسناد و معاهدات زیادی جهت قانون مند نمودن و تبیین ابعاد آن به تصویب رسیده است. در این بین، برخی از اصول و مواد به بررسی رابطه ی حق بر محیط زیست سالم و حق بر بهداشت پرداخته اند و زیستن در فضایی سالم و بهداشتی که منجر به بهره مندی از سلامت جسمی و روحی گردد را حق بشر دانسته اند. به دلیل اهمیت حفظ محیط زیست از آلاینده ها و

بهداشت آن، اصولی نیز در جهت ممنوعیت الودگی آن به تصویب رسیده است. با وجود اقدامات ارزشمندی که در صحنه های بین المللی برای حفظ و نگهداری محیط زیست انجام شده و نگرانی های دائمی طرفداران محیط زیست و سازمان های دولت و غیر دولتی، هنوز هم آلودگی و آلایندها و گسترش آنها از مرزهای یک کشور به دول همسایه ، مهمترین عامل تهدید کننده ی حیات بشر به شمار می رود. آلودگی های محیط زیست انواع گوناگون دارد که هر کدام تاثیرات مختلف و متعددی بر انسان ها و محیط زندگی آن ها وارد می سازد. از جمله مهمترین آلودگی ها ، آلودگی شیمیایی و هسته ای است که به دلیل توانایی در گسترش و شیوع فراوان، قادر است فضای زیادی را تحت تاثیر خود قرار دهد و افراد بیشماری را به امراض و بلایای مختلف مبتلا سازد. آلودگی دیگری که به علت صنعتی شدن و پیشرفت جوامع بوجود آمده، آلودگی صوتی است. این آلودگی روزبه روز در حال افزایش است و آثار نگران کننده ی آن هر روز بیشتر خود را نمایان می سازد و انواع دیگری از آلودگی مانند آب (رودخانه ها و دریاها) خاک و هوا در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل کمبود آگاهی و اطلاع رسانی بیشتر دیده می شود. به همین علت یکی از تعهدات دولت ها در اسناد بین المللی، افزایش آگاهی و آموزش افراد جهت حفظ محیط زیست است. حق بر محیط زیست سالم و حق بر بهداشت و سلامتی، به دلیل رابطه ی عمیقشان اثرات فراوانی بر یکدیگر می گذارند و به نوعی رابطه ی هم افزایی باهم دارند. بدین ترتیب که میزان آلودگی محیط زیست به شدت بر میزان سلامت و بهداشت افراد تاثیر گذار است. هرچه بهداشت زیست بوم بیشتر رعایت شود، امید به سلامتی انسان ها و در نتیجه سن امید به زندگی افزایش می یابد. به هر حال در هر دو حق ، تعهد نهایی رسیدن به سلامتی است؛ سلامتی انسان و سلامتی محیط زیست (میرزاده، سپهری فر، سال ۱۳۹۲ ، صص ۶۹-۳۷). آنچه که تا به حال به اثبات رسیده این است که همواره از محیط و عناصر آن (رنگ، نور، ارتفاع و فضای سبز و گل و گیاه ، درخت ، مناطق ورزشی و...) برای تاثیر گذاری بر رفتار انسان استفاده شده است. تاثیر محیط بر انسان موضوع جدیدی نیست و از قدیم الایام از محیط برای تاثیر گذاری بر رفتار انسان ها استفاده شده است (در این رابطه می توان مثال های زیادی را برشمرد. برای مثال اولین کاری که انسان های اولیه به هنگام ورود به غار انجام می دادند، تمیز کردن اطراف غار و تزئین یا نقاشی محیط داخلی غار بود. این کار پیامی را به رهگذران مبنی بر اینکه این فضا دارای مالک است و با سایر فضاها فرق دارد، و در نتیجه باید به آن احترام گذاشت. منتقل می کرد. در مورد تاثیر گذاری سایر عناصر محیطی (مانند نور یا ارتفاع و غیره) مثال های فراوانی وجود دارد. امروزه نیز در طراحی رستوران های غذاهای آماده و فوری می توان نقش طراحی محیطی را بر کنترل رفتار فرد مشاهده کرد). این موضوع یکی از موضوعات مورد علاقه فلاسفه نیز بوده است. برای مثال تمام کسانی که به بحث درباره آرمان شهر مدینه ی فاضله

پرداخته اند به اصول و روش هایی اشاره کرده اند که بر شکل دادن به محیط و متقابلاً بر رفتارهای جمعی و فردی تاثیر داشته اند. صاحب نظران مختلف به تاثیر محیط بر انسان اشاره کرده اند از جمله ابن خلدون شرایط محیط طبیعی و (محیط ساخته شده) را، در روند زندگی بشر و تحولات فرهنگی اخلاقی و رفتاری موثر می دانند. وی مردمان مناطق معتدل را کامل تر و هنرمندتر دانسته و آنها را از کجروی و انحراف دور می داند. علاوه بر وی منتسکو نیز به تاثیر شرایط اقلیمی و محیط طبیعی اشاره کرده است. شاید این فرایند تاثیر گذاری را بتوان از طریق احساس هویت انسان، با محیط تفسیر کرد. به عبارت دیگر، انسان هویت خویش را در هویت محیط جستجو می کند و هویت محیط را هویت خویش می پندارد و سعی در استحاله ی مختصات خویش به سمت کسب مختصات هویت محیط می نماید. تا دوران معاصر به دلیل محدودیت های مفهوم انسان در نظریه های طراحی، که صرفاً انسان از دید فیزیولوژیک مورد بررسی قرار می گرفت، الگویی نیز که در خصوص رابطه ی انسان و محیط ارائه می شد بر همین الگو مبتنی بود. این الگو که مبتنی بر جبرگرایی محیطی بود، بر مبنای مدل محرک و پاسخ قرار گرفته بود؛ بدین معنا که محیط طبیعی و مصنوع، محرک بوده و انسان پاسخ هایی از پیش تعیین شده به این محرک ها می دهد. البته نظریات موجود در خصوص ارتباط انسان و محیط را می توان به سه دسته ی جبران گرایی محیطی (انسان به مانند موجودی بی اختیار)، امکان گرایی محیطی و احتمال گرایی محیطی تقسیم بندی کرد. میزان تاثیر محیط بر رفتار انسان ها مدعی این نیست که پادزهر تمام جرایم است و می تواند به طور کلی جرم را ریشه کن کند. بلکه این مطالب را بیان می دارد که در قالب بخشی از یک سیاست جامع پیشگیری و در کنار اجرای سایر راهبردهای پیشگیری از جرم، می تواند از اثر بخشی مطلوبی برخوردار باشد (محمودی جانکی، قورچی بیگی، سال ۱۳۸۸، صص ۳۶۷-۳۴۵).

۷-۸- آخرین وهشتمین آرمان توسعه هزاره، گسترش مشارکت جهانی برای توسعه است: که در جهت پیشرفت جامعه ی انسانی به مسیر جامعه ای مدرن با اخلاقیات متعالی و روابط عمومی جهانی بطوری که یک پیکری جوامع با برداشته شدن حد و مرزهای موجود به وقوع بپیوندد، به حرکت درآید. جرایمی از جمله؛ تجاوز به حریم مرزهای کشورهای دیگر، منافع طلبی های سیاسی غیر قانونی برخی دولتها، یا تحت فشار قرار دادن برخی دولتها توسط تحریمها، جنگهای نرم علیه فرهنگ و آرمان های انسانی و... عواملی هستند که مرزها را پررنگ تر نموده و مشارکت جهانی را در این راستا از بین خواهد برد. پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی جایگاه خاص در میان پژوهش های جرم شناختی و سیاستگذاری های جنایی یافته است. در پایان مبحث به این نتیجه رسیده ایم که سیاست گذاری در جهت توسعه جوامع و کاهش جرم در دنیا

که اکنون در آستانه ی درک شکست نظام کیفری سنتی و ضرورت توجه بیشتر به پیشگیری از جرم است، خالی از فایده نخواهد بود. محدودیتهای اعمال عدالت کیفری سنتی حکایت از آن دارد که رویکردی فرااکنشی همانند پیشگیری از جرم از طریق گسترش مشارکت جهانی برای توسعه ی جوامع مدنظر نیازمندی دنیا است دراین میان می توان به چندین رویکرد اساسی برای حمایت از کشورها و جوامع که در اندیشه اجرای برنامه های پیشگیری از جرم از طریق مشارکت جهانی توسعه ی اجتماعی هستند، اشاره کرد. این پیشنهادها عبارتند از:

- افزایش منابع برای کشورها به عنوان مثال شامل صنایع تولیدی، سیاست های اقتصادی و...
- کمک به کشورهای آسیب پذیر شامل حمایت از برنامه های دولتی برای تامین غذا، پوشاک، مسکن و حمل و نقل و..
- توسعه ی توانایی ارتباط با دیگر جوامع و فرهنگ های مختلف و گسترش و تقویت سطح علمی و تحصیلات ملل جهان
- تقویت حمایت های بین المللی و روابط همسایگی بین دول .

پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی و گسترش مشارکت جهانی، در جستجوی کاهش یا حذف انگیزه های ارتکاب جرم پیش از وقوع آن و مقابله با علل ریشه ای جرم است (ر. ک. به: هاوارد، ترجمه: غلامی، منبع پیشین). فلذا به وضوح مشخص و قابل درک است که اقدام هایی که عمل به آنها بصورت مشارکت جهانی است بهتر بازدهی خواهند داشت مشارکت کشورهای درحال توسعه، پرداخته شده وهدف کلی را توسعه ی الزامی پایدار جهان بشریت قرار داده اند(گزارش ابلاغیه کمیته توسعه سازمان ملل، منبع پیشین، صص ۹۳-۸۶).

۸- چالش های فرا روی آرمانهای توسعه هزاره: آنچه که در بحث چالشهای فرا روی توسعه هزاره واضح است، این است که شاید بتوان یکی از برجسته ترین موانع توسعه نیافتگی درهر کشور را، فقر و ناتوانی شهروندان از تامین ابتدایی ترین و ضرورتترین نیازهای انسانی خود دانست. دور باطل فقر و توسعه نیافتگی در جای جای جهان از دیر باز وجود داشته و چنانچه به درستی به ریشه ها وابعاد فقر پرداخته نشود، همچنان وجود خواهد داشت. ستیز با فقر اگر از چارچوب شعارها و برنامه های اجرا نشده بیرون نرود، فقیران فقیرتر خواهند شد و توسعه نیافتگی و محرومیت ژرف تر وریشه دار تر . پایه و شالوده ی بسیاری از مشکلاتی که امروز جهان رو به توسعه از آن رنج می برد، در خاک سخت فقر مردمانشان نهفته است. شاید توان تحقیق هفت آرمان توسعه هزاره سوم را متأثر از آرمان

نخست دانست. فقر مالی، فقر آموزشی، فقر فرهنگی، فقر اجتماعی و... انسان توسعه نیافته را چنان در چنبره ی مشکلات گرفتار می کند که جز گذران زندگی روانه به چیزی دیگر نمی اندیشد و بی گمان جوامع توسعه یافته پیش از بیش از آنکه نمودار افزایش شاخص ها و کمیت ها و اعداد و ارقام باشد، نشان از حضور انسان های توسعه یافته دارد. از سوی دیگر، برخی از کارشناسان توسعه نیافتگی را با آزادی های واقعی شورندگان مانند آزادی های سیاسی، شهروندی، مدنی، بیان، قلم، رسانه ها و... همسو و هم جهت می دانند و توسعه نیافتگی را در یک بعد، به از دست رفتن توان انتخاب شهروندان تعبیر می کنند. چنین می نماید که خواست جهانی، بهبود شرایط بد کشورهایی است که سالهاست از توسعه نیافتگی رنج می برند و پیامدهای منفی آنرا بسیار آزموده اند. اگر هم اراده و مشارکت جهانی در کار باشد، بار اصلی این مهم بر دوش دولتها و ملت هایی است که دستیابی به توسعه را لازمه ی بی چون و چرای حضور موثر در جهان امروز می دانند و آینده را جز از راه دگرگون کردن شرایط کنونی ترسیم نمی کنند (بیژنی، سال ۱۳۸۶، صص ۱۸۱-۱۶۴).

نتیجه گیری

تحقیقات علمی ارتباط روشنی را بین جرم(عصیان و جرم) و توسعه نشان می دهد. جرم مسبب اصلی و نتیجه فقر، ناامنی و عدم توسعه است. جرم و عصیان همچنان که در منابع معتبر و مستندات فقهی نیز به آن اشاره شد باعث از بین رفتن تجارت ، تضعیف سرمایه بشری و بی ثباتی در جامعه می شود. در اینجاست که به اقداماتی با هدف نیاز است. یوری فدوتوف، مدیر اجرایی دفتر مقابله با جرم سازمان ملل متحد می گوید: "برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره، سیاست های پیشگیری از جرم می بایست با توسعه اجتماعی و اقتصادی و حکومت دموکراسی مبنی بر حاکمیت قانون ترکیب شوند. طبق این تحقیقات کشورهای با اختلاف های گسترده درآمد چهار برابر بیشتر از جوامع متعادل تحت تأثیر جرم خشونت بار قرار می گیرند. برعکس، همانطور که در سالهای اخیر در آمریکای جنوبی نشان داده است، رشد اقتصادی این موج را متوقف می کند. طبق تحقیقات، افت ناگهانی در اقتصاد می تواند میزان جرم را بالا ببرد. در کشورهای انتخاب شده، در طول بحران اقتصادی ۲۰۰۸/۲۰۰۹، جرم های بیشتری (از جمله قتل) اتفاق افتاد که با کاهش تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت مصرف کننده بالاتر و بی کاری بیشتر همزمان شده بود(رک به: فدوتوف، تحقیق دفتر مقابله با جرم سازمان ملل متحد).

در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بحث پیرامون جرم به عنوان تهدیدی برای توسعه را روز سه شنبه ۶ تیر ۱۳۹۱(۲۶ ژوئن ۲۰۱۲) در نیویورک آغاز کرد. این رویداد، که به مناسبت روز بین المللی مبارزه با سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر، برگزار شد، بر تأثیر مواد مخدر(مواد انفیونی زایل کننده عقل که در اسلام نیز حرام بوده و ترد گردیده) و جرم بر فقر و اهداف توسعه هزاره تأکید کرد و به بحث پیرامون راه های بهبود تلاش های هماهنگ شده جامعه بین الملل جهت پرداختن به تأثیر معکوس مواد مخدر و جرم بر توسعه پرداخت. بحث ها پیرامون چالش های موجود در گنجاندن کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم در ابتکارهای توسعه متمرکز گردید(رک به: کی مون، گزارش دبیر کل مجمع عمومی سازمان ملل متحد دخیل در تلاش های پیشگیری از مواد مخدر و جرم <http://webtv.un.org>). همچنین در سالهای اخیر، جامعه جهانی دریافته است که توسعه در مفهوم کلی آن و دستیابی به اهداف توسعه هزاره به صورت خاص، جز با برقراری ثبات امنیت در جامعه محقق نخواهد شد و خشونت بالای شهرها و جوامع، مانع پیشرفت های اجتماعی و اقتصادی شده و روحیه و رفاه شهروندان را با مخاطره روبه رو می سازد.(جوان جعفری، سید زاده ثانی، منبع پیشین، ۱۳۹۱) لیکن الزاما آنچه در این پژوهش مقرر داشته شده تعامل و روابط دو طرفه ی برنامه ها و اهداف (توسعه هزاره) با (پیشگیری از جرم و

عصیان) می باشد. ایضاً نتیجتاً همسویی علمی و عملی این واژه ها، در جهت توسعه و تعالی جامعه ی انسانی، جلوه ای شفاف بر خود گرفته و نظر مخاطبان را هرچه بیشتر به این واقعه سوق می دهد، امید است با برجسته نمودن این رابطه ی ظریف و علمی بهتر بتوان نتایج حاصله را پیش بینی کرده و ملزومات را فراهم بنماییم. همچنین موارد مذکور در بحث پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی (نوشته شده توسط هاوارد جان) از جمله ریشه کنی فقر و بیسوادی و بیماریهای خاص و ... همان اهداف توسعه ی هزاره بوده که در حیطه ی بین المللی مطرح گردیده است. پس آنچه در تعامل پیشگیری و توسعه اجتماعی گفته شد، شامل اهداف توسعه ی هزاره نیز می گردد. نتیجه ی کلی اینکه هر یک از این دو هدف تفکیک ناپذیرند و بدون دیگری قابل دسترسی نخواهد بود فلذا یک جامعه ی توسعه یافته، جامعه ای فارغ از آماره جرم جوامع غیر توسعه یافته را خواهد داشت. و پیشنهاد کاربردی برای مسئولین مربوطه کشور عزیزمان ایران، به کارگیری راهکارهای موجود در آرمانهای توسعه در جهت ساختن جامعه ای عاری از جرم می باشد. امید است عمل به راهکارهای ارائه شده در تحقیقات قامی موثر در جهت توسعه و جرم زدایی ایران عزیزمان واقع گردد.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمد، (۱۳۷۹)، جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، انتشارات روزنامه رسمی (مجموعه مقالات همایش بین المللی علمی کاربردی).
۲. ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۱)، جرم شناسی پیشگیری، جلد اول، تهران، نشر میزان.
۳. بیرچل، جانستون، (۱۳۸۳)، تعاونی ها و اهداف توسعه هزاره سوم (گزارش سازمان بین المللی کار)، مترجم: صدقی سیگارچی، نازیلا، منتشر شده توسط وزارت تعاون (معاونت نظارت و بهره برداری)، جلد اول.
۴. بیژنی، مریم، (۱۳۸۶)، اهداف توسعه هزاره سوم و چالش های پیش روی در ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۰ - ۲۳۹.
۵. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، (۱۳۸۱)، مترجم: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، انتشارات سمت، جلد اول.
۶. جوان جعفری، (۱۳۹۱)، عبدالرضا، سیدزاده ثانی، سید مهدی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، نشر میزان، جلد اول.
۷. خسروشاهی، قدرت ا...، پیشگیری از جرم در آموزه های قرآنی، بصیرت، (سال دهم)، شماره ۳۱-۳۰.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۳)، رهیافتی نو به بیان های نظری پیشگیری از جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹-۴۸.
۹. ریمون، گسن، (۱۳۷۰)، جرم شناسی کاربردی، ترجمه: کی نیا، مهدی، انتشارات علامه طباطبایی، جلد اول.
۱۰. صفاری، علی، (۱۳۸۹)، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴.
۱۱. غالی، بطروس بطروس، (۱۳۹۲)، حقوق بین الملل در تکاپوی ارزش های خود: صلح، توسعه، دموکراسی، ترجمه: بیگ زاده، ابراهیم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶-۳۵.
۱۲. فرجیها، محمد، (۱۳۸۲)، مصاحبه در امور نقش مشارکت مردم در عدالت کیفری، مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۱۴.
۱۳. قانون برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹).
۱۴. لازرژ، کریستین، (۱۳۸۲)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، نشر میزان، چاپ نخست.
۱۵. محمودی، جواد، گزارش سمینارهای سازمان ملل متحد پیرامون پیشگیری از جرم، (۱۳۸۳)، مجله فقه و حقوق، سال اول.
۱۶. محمودی جانکی، فیروز، قورچی بیگی، (۱۳۸۸)، مجید، نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲.

۱۷. مشاطیان، بهناز، (۱۳۸۹)، سازمان ملل متحد در ایران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.
۱۸. موریس، کوسن، (۱۳۸۱)، تقریرات جرم شناسی (دوره کارشناسی ارشد)، مترجم: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مجتمع آموزش عالی قم، جلد اول.
۱۹. موسوی بفرویی، سیدعلی، (۱۳۷۹)، گزارش ابلاغیه کمیته توسعه سازمان ملل، مجله تازه های اقتصاد، شماره ۱.
۲۰. میر خلیلی، سید محمود، (۱۳۸۷)، توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳.
۲۱. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۱)، ملاحظیات در موضوع پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵-۳۶.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۸)، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۹)، تقریرات جرم شناسی نظری (دوره دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، جلد ۱.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۴)، پیشگیری از جرم: از آموزه های جرم شناختی تا قانون گذاری جرم شناختی، مجموعه سخنرانی های همایش ملی علمی - کاربردی، پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، جلد اول.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۵)، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸.
۲۶. نوربهار، رضا، (۱۳۷۸)، سیاست جنایی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵.
۲۷. نیازپور، امیر حسین، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، (۱۳۸۲)، مجله حقوقی داگستری، شماره ۴۵.
۲۸. نیازپور، امیر حسین، حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، (۱۳۸۳)، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۹-۴۸.
۲۹. نیکوروش، هادی، اسلامی مقدم، طاهر، (۱۳۸۹)، پیشگیری از جرم، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۹۶.
۳۰. هاروارد، جان، پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، (۱۳۷۴)، ترجمه: غلامی، حسین، مجله پژوهش حقوق و سیاست.